



روایت شهر آرا از کسب و کار بازاری‌های مشهد که در تنگناهای اقتصاد و کرونا همچنان به «الکاسب حبیب...» باور دارند

حبیب خدا، محبوب مردم

مصطفی توفیقی

گزارش روز

کمی زمان را برگر دانیم به عقب، به روز هایی که هنوز به وقت باران، کوچه‌ها بوی خاک نسّم زده می گرفت و دیوارها نفس می کشیدند، وقتی سر در خانه‌ها این جمله نقش بسته بود: «بِدا... فوق آید پیهم» و بالای غرفه‌های کسبه و پاچال‌ها می نوشتند: «الکاسب حبیب...». می نوشتند لابد چون باور داشتند، هم آن کاسب‌های حلال خور و هم آن‌هایی که نان سفره و قوت غالب و جامه تشنار را از دست این رفقای خدا می گرفتند. «الکاسب حبیب...» فقط یک لفظ نیست که برگردی و بگویی: «هَدا کاسب هم کاسب‌های قدیم!». این دوا وژه نص کلام پیامبر خدا(ص) است که کسب و کار برای تأمین معاش همسر و فرزند را همان جهاد برای خدای دانست، جهادی که نه راه و رسمش کهنه می‌شود و نه جهادگرانش تمام می‌شوند. تا «بازار» و «بازاری» هست، راه محبت و دوستی خدا از طریق کسب حلال هم گشوده است، و هنوز هم هستند جهادگرانی که لباس زرمشان، جامه کسب و کار آن هاست و سربند جهادشان، دعای زائران و مجاوران امام رضا(ع). در روزهای دشوار اقتصادی و اجتماعی که نابسانمانی اقتصادی و شیوع بیماری کرونا، نفس‌های بازار و بازاری‌ها را بند آورده است، به میان مردم و کاسبانی رفته‌ایم که هنوز نه دلشان به «الکاسب حبیب...» باور دارند. از آن‌ها درباره رفتار بازاری‌ها و تأثیر کسب و کار حلال بر زندگی اجتماعی‌شان پرسیده‌ایم.

● دهائی شیرین به صلوات و نان حلال خاطره تعریف کردن‌های اطرافیان از کهن مردی در محله طلاب که هنوز با سلام و صلوات، سوزن به خیاطی می‌زند و موقع دوخت و دوز لباس‌های همشهری‌ها صلوات از دهانش نمی‌افتد، من را به کارگاه کوچک خیاطی حاج خلیل می‌رساند. حاج خلیل که پیشوند نامش «حاج» را نه از زیارت کعبه، که از دهان مردم گرفته و هیچ وقت توان مالی‌اش به سفر حج نرسیده است، خودش این صنعت را خیلی هم بی‌اراه و بی دلیل نمی‌داند و می‌گوید: «برو طواف دلی کن که کعبه مخفی است بابا جان!» و ادامه می‌دهد: «مهم این است که خدا و خلق خدا تو را چطور می‌بینند، و گر نه کعبه فقط یک سنگ نشان است که ره گم نشود.» حاج خلیل را نه تنها به انصاف زیاد و مزد کم گرفتن از مردم می‌شناسند، بلکه مردم محل می‌گویند بعید است کسی در محله آن‌ها دچار مشکلات و تنگناهای روزگار بشود و گذارش به پیراهن دوزی حاج خلیل نبفتد. یکی از اهالی محل که هنگام گفت و گوی ما با آقاخیل برای گرفتن پیراهنش به حجره موهبی محل آمده است، میان گفت و گوی ما می‌آید که: «توی این کوچه یک نفر همه پیدا نمی‌کنید

که لااقل یک بار گره کارش به دست این آقا سید ما باز نشده باشد. حلال مشکلات محل است. از نان شبش می‌زند که کار مردم راه بیفتد.» از خلیل آقا درباره وضعیت معاشش می‌پرسم و اینکه در این گرانی‌ها چطور با مشتری‌هایی که معمولاً دست پری ندارند کنار می‌آید. می‌گوید: «روزی را خدامی‌رساند باباجان. مگر ما سلامتی و نفس کشیدنمان را از مردم داریم که روزی‌مان را از آن‌ها داشته باشیم! مردم وسیله‌اند که اوستا کریم به ما نگاه بیندازد، حالا گاهی با رزق حلال، گاهی با دعای خیر. مهم این است که آن بالای‌ی هوایت را داشته باشد.» البته نشان عقیده حاج خلیل فقط در حرف‌ها و توصیه‌اش خلاصه نمی‌شود. او از همین حجره مختصر، هم خانه خودش را دارد و هم مغازه را، و هم چندتا نوه قد و نیم‌قد که با فرزندان او سر سفره‌اش می‌نشینند

● نان از سفره روزی او برمی‌دارند.

روزی حلال، کلیدواژه دویستان خدا

کلیدواژه مشترک صحبت‌های آقاخیل و همه آقاخیل‌های دیگر شهر، احتمالا یک واژه است: «روزی». آدم‌هایی مثل خلیل آقا، هر جای شهر و در هر لباس و جایگاه باشند، باور دارند «روزی را خدا می‌رساند»، پس بیشتر از اینکه هم و غم خود را روی کسب درآمد «زیاد» بگذارند،

نگاه کنیم، از معامله با خدا پیشیمان نمی‌شویم.»

● انصاف با مردم، صدقه‌سلامتی جان

محمد رضوی، شهروند دیگری که در یکی از محلات مرکزی مشهد نانواپی دارد، روی برگه‌ای نوشته است: «اگر پول ندارید، میهمان ما هستید.» از او می‌پرسم که آیا مطرح کردن چنین مسئله‌ای در محیط کسب و کارتان موجب سوءاستفاده برخی افراد و کاسته شدن در درآمدتان نمی‌شود؟

می‌گوید: «هر کسی مسئول کار خودش است. من صدقه سلامتی خودم و خانواده‌ام را در این می‌بینم که تا حد امکان اگر گرسنه‌ای گذرش به نانواپی ما افتاد و پولی نداشت، گرسنه از اینجا نرود. برای حفظ آبروی مردم هم همیشه چند نان برای این افراد سر میخ می‌گذاریم و آن‌هایی که مهمان دائمی ما هستند، خودشان می‌دانند و بر می‌دارند و سؤالی هم نمی‌پرسم که خجالت‌زده نشوند. کم پیش آمده کسانی از حق این محرومان سوءاستفاده کنند و با داشتن مکنت مالی، وجه نسان را نپزدانند؛ آن‌ها باید پیش وجدانشان و خدای خودشان جواب پس بدهند.»

● یارب نظرتو برنگرد

در گزارش میدانی از مناطق شهر، با ده‌ها مورد این چنینی فقط در چند روز روبه‌رو می‌شویم: میوه فروشی که بخشی از میوه‌هایش را آخر شب‌ها و بعد از تعطیلی مغازه در کیسه‌های پلاستیکی مرتب و تمیز برای محرومان زیر درخت می‌گذارد، میوه فروش‌هایی که قیمت میوه را تنها کمی بیشتر از قیمت میدان‌بار عرضه می‌کنند، فروشنده‌هایی که اقلام غذایی و... را با قیمت خریدشان تعریف می‌کنند و نه با قیمت‌های هر روز در حال افزایش بازار؛ از جمله آقارضا در محله صلاّی مشهد از آن کاسب‌های «حبیب خداست» که به قول مشتری‌های فراوانش تا زمانی که یک محصول تمام نشده و باز جدید نیآورده، بار قبلی خود را بر اساس همان قیمت خرید قبلی‌اش نرخ گذاری می‌کند. از آقارضا می‌پرسم: «اینکه به قیمت قبل می‌فروشید و به قیمت جدید خر بدار می‌کنید، موجب ضرر و زیانتان نمی‌شود؟»

جواب می‌دهد: «تا ضرر و زیان را چه بینی؟ من محصول را به هر قیمتی بخرم سود حلال خودم را در فروش آن لحاظ می‌کنم؛ و اگر بعدا گران تر بخرم، طبیعتا گران تر هم به فروش می‌رسانیم. این طوری هم سود خودمان را داشته‌ایم، هم بیشترین مشتری را داریم، و هم مردم راضی و خوشحال‌اند. و از همه مهم‌تر اینکه امیدواریم خدا هم از ما رضایت داشته باشد و نظرش از ما برنگردد.»

● کسب حلال، تضمین آرامش جمعی درباره آثار اجتماعی «کسب حلال» با رضا نورمحمدی، کارشناس ارشد جامعه‌شناسی شهری، گفت‌وگو می‌کنیم. نورمحمدی معتقد است: «آنچه روابط و بافت اجتماعی محیط شهری را شکل می‌دهد، در نهایت آدم‌ها و باورهایشان است. بدیهی است وقتی در جامعه‌ای شهری مردم به یکدیگر رأفت بیشتری نشان دهند و به یکدیگر به دیده مودت نگاه کنند، خال آن جامعه نیز بهتر خواهد بود.» نورمحمدی همچنین درباره آنچه «پرو پاگاندای مصرف گرایی» می‌نامد، با

انتقاد از دولت و بخش خصوصی و رسانه‌ها در ترویج و ستایش عرضه کنندگان «لوکس و لاکچری» به جای تولیدکنندگان و فروشندگان باانصافی که با کاهش هزینه‌های جانبی و مصرفی خود، خدمات و محصولات باکیفیت را ارزان تر ارائه می‌کنند، دلیل عمده توجّه نشان ندادن این نهادها به الگوی «کاسب حبیب خدا» را منفعت طلبی این نهادها می‌داند و معتقد است آنچه جامعه امروز در حوزه ترویج کسب حلال نیاز دارد، نشان دادن بیشتر این الگوها به جامعه مصرف گرایی است.

● بازار بی‌قید و بند، زمینه‌سازی اعتمادی نسرین مقامی، روان شناس، نیز یکی از دلایل نامساعد بودن روحیه فردی و اجتماعی شهروندان در شرایط کنونی را نبود تعادل و سامان یافتگی در بازار و اقتصاد می‌داند و می‌افزاید: «جدای از آسیب‌های روانی ناشی از گرانی‌های هرروزه اقلام مصرفی شهروندان و تناسب نداشتن آن با میزان کار و تلاش و درآمد آن‌ها، آنچه در حرف‌های مراجعان به روان شناسان و در گفت‌وگوهای روزمره مردم مشهود است، آسببی است که به دلیل رعایت نشدن حال شهروندان توسط برخی کسبه و تجار، به اعتماد آن‌ها به بازار خورده است. درواقع بیشتر مردم دیگر قبول ندارند که کاسب حبیب خداست، و بدتر آنکه این بی اعتمادی شدید در مواجهه روزمره‌شان نیز توسعه می‌یابد و گاه به درون خانواده‌ها نیز کشیده می‌شود. آقا یا خانمی که در طول روز کاری خود بارها احساس رودست خوردن، مورد سوءاستفاده قرار گرفتن و از دست‌دادن مال خود را دارد، وقتی به خانه می‌رسد، مجموعه‌ای از اوهام و بدبینی نسبت به جامعه را در خود جمع کرده است.»

● الکاسب حبیب...! الگوی ضروری جامعه احمد فهیمی، تحلیلگر بازار، نیز به شهر آرا می‌گوید: «هتأسفانه تقویت بازارهای محلی و آن بخش از بازار که اعتقاد قلبی به «الکاسب حبیب...» دارند، مدت‌هاست که از برنامه دولت و رسانه‌ها کنار گذاشته شده و به‌طور جدی در دستور کار نبوده است. بدتر از آن اینکه این اقتصادهای محلی و خرد نه تنها حمایت نمی‌شوند، بلکه در برابر ماشین‌های اقتصاد مدرن و

بیشتر مردم دیگر قبول ندارند که

کاسب حبیب خداست، و بدتر آنکه

این بی‌اعتمادی شدید در مناسبات

روزمره‌شان نیز توسعه می‌یابد و گاه به

درون خانواده‌ها نیز کشیده می‌شود



روزنامه شهرامیدوزندگی

شنبه ۱۳۹۷/۰۵/۱۳ شمسه ۱۳۹۷

SHAHRARNEWS.IR

۰۳

جامعه

info@shahrara.com__ رایانامه ۰۹۱۵۴۲۹۴۵۸۰-
۰۹۰۵۴۶۵۸۰۶۰- پیامک
۰۹۰۵۴۶۵۸۰۶۰- تلفن

نماینده مردم

نیروی انتظامی
● **شهرونداو** این داستان‌ها همچنان ادامه دارد! زورگیری، سرقت کابل تلفن، سرقت درب در پیچه فاضلاب‌ها و مردمی که به ستوه آمده‌اند.

● **بازرسی**

● **شهروندا** چرا قیمت تخم مرغ تنظیم بازار در عدل خمینی ۱۲ هزار ۸۰۰ تومان است ولی در ملک الشعراي بهار ۲۰ داخل هویزه، ۱۴ هزار تومان است؟ اداره صمت و تعزیرات حکومتی پیگیری کند.

● **ناجا**

● **شهروندا** چرا سیستم بیمارستان ناجا در مشهد با تأمین اجتماعی آنلاین نیست؟

● **مؤسسات مالی و اعتباری**

● **شهروندا** هر چه از طریق سایت بانک رفاه می‌خواهم عضو باشگاه مشتریان شوم، نمی‌شود. از بانک رفاه هم سؤال کردم، گفتند فقط از طریق سایت بانک باید عضو شوی. بپرسید از چه طریقی وارد شوم و عضو باشگاه شوم. راهنمایی کنید.

● **شهروندا** چرا بانک ملت ۱۰ هزار تومان در حساب نگه می‌دارد ولی بانک‌های دیگر مانند بانک سپه و اقتصاد نوین و ملی ۲۰۰۰ تومان؟ از بانک ملت و دیوان عدالت اداری بپرسید چرا پول نگه می‌دارد.

● **شهروندا** چرا دادستان و قوه قضائیه پیگیری نمی‌کنند؟ مؤسسه کاسپین (فرشتگان سابق) پول مردم و مخصوصا پول من را نمی‌دهد. به موضوع پدیده رسیدگی کردید؛ به این موضوع هم رسیدگی کنید.

● **دادگستری**

● **شهروندا** از دادستان و رئیس کل دادگستری استان خراسان رضوی بپرسید چرا به کسی که محکوم به پرداخت دیه شده یک سال برای پرداخت مهلت داده‌اند. فردی که محکوم به دیه شده، حقوق بگیر است و جواز کسب گذاشته تا روزی که دیه بپردازد. چرا سند خانه از او نگرفته‌اند؟

● **راه و شهرسازی**

● **نسرین ابادریان**! فکری اساسی برای راه مشهد-قوچان بکنید. ترافیک سرسام آور آنجا به خاطر باغ تالارها، ویلاهای شخصی و شهرک صنعتی است. با عرض کردن جاده، مشکل را حل کنید.

● **شرکت آب و فاضلاب**

● **۰۹۱۵...۴۹۳** دشت مشهد، فروردین را بدون باران سپری کرد! حالا فقط یک گزینه روی میز است: سریع کل فاضلاب را تصفیه کرده، پساب را جایگزین چاه‌های عمیق کشاورزی کنیم.

طبق آمار برای پوشش شبکه فاضلاب مشهد باید ۶۰۰ کیلومتر دیگر شبکه ساخت تا حجم جمع آوری فاضلاب به ۴۰۰هزار مترمعب در شبانه روز برسد. هزینه ساخت سه تصفیه خانه جدید ۵هزار میلیارد تومان برآورد شده. مشکل اصلی بودجه است که موجود است!

● **سازمان تأمین اجتماعی**

● **شهروندا** چرا بیمه تأمین اجتماعی و اداره کار بپرسید چرا به کار پخش نوشابه سختی کار تلقی نمی‌گیرد، با توجه به اینکه روزانه ۸ تا ۱۰ اتن بار را در شهر توزیع می‌کنند.

● **۰۷۷۳...۹۱۵** چرا بیمه تأمین اجتماعی، فردی را که در کمپسیون

پزشکی از کارافتاده شناخته شده است، از کارافتاده تلقی نمی‌کند؟

● **شرکت مخابرات**

● **۰۹۱۵...۹۶۴** روز ۲۵ است کابل تلفن پروپن اعصابی ۳۹ را دزدیده‌اند. هرروز اعلام خرابی کرده‌ایم، مراجعه حضوری داشته‌ایم. فرزند مدرسه‌ای داریم که با «شاد» و «اسکای روم» کار می‌کند و

هرروز باید آواره خانه فامیل باشد.

● **شهروندا** مادری بیمار در خانه می‌خورد زمین و با سختی خود را به تلفن می‌رساند تا به فرزندانش اطلاع دهد ولی متأسفانه تلفن قطع است. چرا؟ چون کابل‌ها به سرقت رفته است.

● **محمدعلی کاردان**! چرا مدت چهارروز است تلفن‌های ثابت خیابان خرانه‌داری ۲۷ قطع شده اما مخابرات رسیدگی نمی‌کند؟

● **روستاها**

● **نجفی**! بیشتر از یک سال است که در روستای کشف زندگی می‌کنیم. همان موقع یک پیامک به شهر آرا دادم به امید اینکه به چشم یا گوش دهیاری یا فرمانداری یا هر مسئول دیگری برسد و به وضعیت تنها فضای بازی بچه‌ها رسیدگی شود، جایی که هم کوچک است و هم کم‌نور و بدون امکانات.

تا الان باوجود اینکه هرروز گشت رسیدگی به تخلفات ساختمانی، افراد را جریمه می‌کند و پولش به دهیاری می‌رسد، دریغ از یک تغییر چشمگیر که ما ببینیم!

● **سیاسی**

● **نوری**! امیدواریم باند مسئولان خائن و دوتابعیتی پیش از محاکمه با ترغدن خاص، کشور را ترک نکنند.

● **گرانی**

● **گروسی**! گرانی‌های بی‌بضاطه مغازه داران چهارراه میدان بار حیرت آور است. قیمت‌هایشان از این مغازه تا آن مغازه گاهی تا سه برابر تفاوت دارد! چرا بازرسی و نظارتی بر قیمت‌ها نیست؟

● **سازمان پسماند**

● **مجید صلاتی**! درصورت امکان شهرداری، پوست‌های میوه داخل زباله‌ها را جمع‌آوری کند و برای دامداران بفروشد.

● **علوم پزشکی**

● **۰۷۷۳...۹۱۵** چرا الان که مشهد قرمز است، امور مساجد و ستاد ملی کرونا و اداره بهداشت دستور نمی‌دهند درهای مساجد را ببندند تا نجیره انتقال کرونا قطع یا کم شود؟

● **شهروندا** در شهر کجایی همه واحدهای تجاری بدون استثنا باز و شلوغ هستند و هیچ گونه نظارت و بازرسی وجود ندارد.

● **شهروندا** هیچ گزارش رسمی در دست نیست که نشان دهد، آمار کرونا در چین به صفر رسیده است.

● **شهرداری**

● **۰۷۱۸...۹۳۷**! اجرا شهرداری منطقه ۸ برای فضاهای سبز داخل خیابان امام خمینی(ره) ۵۴مائدیگر بوستان‌ها و فضاهای سبز شهر نام‌نمی‌گذارد؟ طبیعتا گران‌تر از قیمت زمین است. چرا این‌ها را به مردم بفروش می‌رسانیم. این طوری هم سود خودمان را داشته‌ایم، مردم راضی و

● **جواد کوزه‌گران**! در بزرگراه شهید چراغچی برای دسترسی خیابان‌های طرحی و کشاورز به دلیل مخالف بزرگراه (مسیر غرب به شرق) نیاز به ساخت دوربرگردان غیرهمسطح هست؛ زیرا یکی از دلایل ترافیک بسیار سنگین رینگ میدان فهمیده، نبود دوربرگردان قبل از میدان است.

● **شرکت بهره‌برداری قطار شهری**

● **تاج‌کلی**! چرا داخل ایستگاه‌های قطار شهری سرویس بهداشتی وجود ندارد؟

من محصول را به هر قیمتی بخرم سود حلال خودم را در فروش آن لحاظ می‌کنم؛ و اگر بعدا گران تر بخرم، طبیعتا گران تر هم به فروش می‌رسانیم. این طوری هم سود خودمان را داشته‌ایم، هم بیشترین مشتری را داریم، و هم مردم راضی و خوشحال‌اند. و از همه مهم‌تر اینکه امیدواریم خدا هم از ما رضایت داشته باشد و نظرش از ما برنگردد.»

همان‌طور که رهبر عزیزمان فرموده‌اند «اگر دست‌های کار گرگ، مغزهای کار گرگ، انسان‌های کارآفرین، نیروی انسانی‌ماهر در جامعه‌ای گرمی داشته شود، آن جامعه پیشرفت خواهد کرد. اینکه نبی مکرم اسلام دست کارگر را بالا می‌آورد و می‌پوسد، این فقط قدردانی از یک شخص نیست؛ این ارزش گذاری است؛ به ما می‌گوید که دست کارگر، تولیدگر و نیروی انسانی آن قدر ارزش دارد که کسی مثل وجود مقدس پیامبر- که همه آفرینش طفیل وجود اوست- خـم می‌شود و آن را می‌پوسد؛ این درس به ماست.»

در پایان ضمن گرامیداشت یاد و خاطره همه شهدای والا مقام کارگر، این روز را به عزیزان کارگر زحمتکش، به خصوص کارگران گران قدر شاغل در شهرداری و سازمان‌های وابسته و خانواده‌های محترمشان، تبریک عرض می‌کنم .



شهناز رهمارمعضو شورای شهر

هفته کارگر زمان شایسته‌ای است برای گرمی‌داشتن و ارج نهادن به خدمات ارزنده کارگران شریفی که در راستای آبادانی کشور عزیزمان ایران از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کنند. روز کار و کارگر تنها

نماد یک قشر زحمتکش و پرتلاش نیست، بلکه «کار و کارگر» مانند ستون هر توسعه‌ای، نماد سازندگی و تعالی هر کشور است. امروز اگر شاهدیم جوانان برومند ایران زمین در عرصه‌های مختلف کار و سازندگی، افتخارات بزرگ و ارزشمندی را به بار رسانده‌اند، بی تردید بخش وسیع از آن در گرو سعی، تلاش، پایداری و بسندگی کارگران متعهدی است که با کار پیوسته و شبانه‌روزی خود، مسیر برتری و تعالی هر چه بیشتر کشورمان را هموار می‌کنند. بدین لحاظ بجاست مسئولان ذی ربط با توجه به شناختی که از شرایط اقتصادی کارگران عزیز دارند و با عنایت به نقش محوری‌ای که این قشر زحمتکش در پیشرفت و توسعه کشور ایفا می‌کنند، حمایت از کار و کارگران را بیش از پیش در دستور کار خود قرار دهند تا بتوان بازسازی از مشکلات این قشر آسیب‌پذیر را رفع کرد.

موضوع دیگری که باید مدنظر مسئولان دستگاه‌های اجرایی قرار بگیرد، جوانان بی‌کار

پنداشت

مدیریت شهر را تام و تمام به شهردار و شورای شهر منتخب مردم بدهید

نهم اردیبهشت‌ماه «روز شوراها»

نام گذاری شده است. اتفاق فرخنده‌ای است. یادش به خیر. آن روزها که به همت دولت برآمده از دوم خرداد و به پیشنهاد رئیس جمهور وقت و تأیید رهبر

انقلاب، اصل ۱۰۰ قانون اساسی که ۲۰ سال مهجور مانده بود، احیا و انتخابات شوراهای شهر برگزار شد، رونق تازه‌ای به فصل جمهوریت در ایران داد.

قرار شد امور شهری در دست منتخبان و وکلای مردم باشد. اصل ۱۰۰ قانون اساسی که فصل الخطاب همه ایرانیان است، می‌فتت برای پیشبرد سریع «برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی»، شوراهای اسلامی شهر و روستا تأسیس شوند. اما بعد از ۳۳ سال و گذشت پنج دوره از عمر شوراهای، آیا شوراهای شهر، به واقع شوراهای «کل» شهرند؟ مسلم است که خیر. آموزش و پرورش متولی وزارت دارد، قضاوت و دادگستری هر کدام قوه و وزارت دارد، دارند، بهداشت و درمان متولی دیگری دارد که در دولت مستقر است، امور سیاسی و امنیتی شهر هم در دست فرمانداری و نیروی انتظامی



بتول گندمیعضو شورای شهر

و نهادهای دیگر نظامی و اطلاعاتی است و... نباید برای من به عنوان شهروند/عضو شورای شهر سؤال پیش بیاید که چرا مدیر شهر، شهردار و ناظران آن، مدیر، اعضای شورای شهر نباشند؟ فقط رفقت و رروب و فضای سبز شهر و پل ساختن و صدور پروانه ساخت و فرهنگ سرراهی شهر را باید شهرداری مدیریت کند؟ چرا نباید متولی حاکمیتی فرهنگ و هنر و آموزش و بهداشت و نظم و امنیت و سیاست در شهر در یک جا مستقر باشد و ناظرانش را مردم تشخیص دهند؟ آیا تصمیم گیران امر، به مردم و نمایندگان مردم اعتماد کافی ندارند؟ این جفا نیست؟ چرا مردم نباید درباره حال و آینده شهر خود، خود تصمیم گیر باشند؟ چرا نباید شهردار منتخب غیرمستقیم مردم یک شهر است، صاحب اختیار در تعیین مدیران شهر نباشد؟ فرقی نمی‌کند کدام طیف فکری بر شهر حاکم باشد؛ اصلاح طلب، اصولگرا، اعتدالی، مستقلین و هر کسی که از مردم رأی گرفته است. ما دمی که این نقض بزرگ برطرف نشود، موازی کاری‌ها، اتلاف منابع و عقب ماندگی در برخی حوزه‌های شهری، نتیجه‌اش فقط نارضایتی شهروندان است.